

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۳۶

جمعه ۱۲ مهر ۱۳۹۸، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۹

مفتخوران باز هم نان را گران کردند!

مشتی دزد و جنایتکار حاکم برای جبران کسری بودجه خود قیمت انواع نان را بین ۱۶ تا ۲۵ درصد گران کردند. بر اساس تصمیم دولت، قیمت نان بربری ۲۵ درصد و تافتون ۱۶ درصد گران شد. هر دانه سنگک نیز به ۳ هزار تومان رسید. قیمت ها در نانوائی های آزادپز از اینهم بسیار بیشتر است. قرار است

قیمت انواع سوخت نیز افزایش یابد. در حالیکه نان به غذای اصلی اکثریت مردم تبدیل شده است و مردم حتی برای تامین آن نیز در مضیقه بودند، اکنون با این افزایش قیمت ها، تامین نان برای اکثریت مردم باز هم دشوارتر میشود. هدف حکومت جبران کسری بودجه است، بودجه

ای که قرار است صرف پرکردن جیب یک اقلیت مفتخور و میلیاردر، صرف حشدالشعبی و نیروهای حوثی و حزب الله و انواع جریانات جنایتکار اسلامی در منطقه و یا صرف نیروهای سرکوب و صنعت مذهب و سرکوب و کنترل مردم شود و مردم حتی با نان هم نتوانند شکم بچه هایشان را سیر

صفحه ۵

محسن ابراهیمی

"ابتکار صلح هرمز و ائتلاف امید" تقلائی برای "نرمش قهرمانانه" دیگر!

صفحه ۲

در سازمان ملل چه گذشت؟ پرسش از علی جوادی

صفحه ۴

دو اتفاق مهم هفته:

در هفت تپه چه میگذرد

فراخوان به تجمع معلمان آغازی از دور جدید اعتراضات

صفحه ۶

مردم عراق در سراسر کشور علیه حکومت و دستجات اوباش اسلامی تظاهرات های وسیعی را شروع کرده اند

روزهای گذشته مردم در سراسر عراق و از جمله در شهرهای بغداد، ناصریه، بصره، کربلا، نجف، موصل، ... علیه حضور جمهوری اسلامی و اوباش مسلح وابسته به آن و علیه فقر، بیکاری، بیحقوقی و محرومیت از ساده ترین خدمات عمومی دست به اعتراض زدند. حکومت عراق مردم را به گلوله بست و دهها نفر را به قتل رساند. اما این جنایت آتش خشم و اعتراض مردم عراق را شعله ورتر ساخت. مردم عراق خواهان رهایی از حکومت اسلامی و ارتجاعی عراق و دخالت های جمهوری اسلامی و خواهان یک زندگی انسانی، آزاد و مرفه هستند.

زنده باد همبستگی مردم ایران و عراق علیه حکومت ها و دستجات شرور اسلامی!



پیام به مردم

سندج:

برای پایان دادن به اعدام باید با قدرت بیشتری بمیدان آمد!

متأسفانه بامداد ۹ مهرماه روزگار زندگی علیرغم اعتراض و تجمع صدها نفر از مردم، فعالین کارگری و اجتماعی و شخصیت‌های شناخته شده در سندج، توسط حکومت جنایتکار اسلامی اعدام شد. بسیاری از شما مردم مبارز و انساندوست سندج تلاش‌های بسیار صمیمانه و پرشوری برای نجات روزگار زندگی انجام دادید، تجمع کردید، دو شب و روز بیدار ماندید و با تجمعاتتان برای حق حیات یک انسان جنگیدید. باینهمه جمهوری اسلامی روزگار را اعدام کرد. اما مبارزه شما بی ثمر نبود. شما، مردم کردستان و ایران را در مبارزه علیه اعدام نمایندگی کردید. مخالفتتان را به قاتلان اعلام کردید، نگذاشتید یک اعدام دیگر در سکوت انجام شود. شما بارها علیه اعدام در مقابل زندان های حکومت

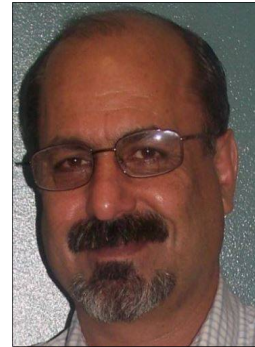
ادامه در صفحه ۷

معلمان شاغل و بازنشسته طی بیانیه ای به تجمع برای ۱۳ مهر (۵ اکتبر) روز جهانی معلم در تهران در مقابل وزارت آموزش و پرورش فراخوان به تجمع داده اند. این تجمع در ساعت ده صبح این روز برگزار خواهد شد. فراخوان معلمان برای این تجمع خطاب به معلمان، دانش آموزان، دانشجویان، کارکنان آموزش و پرورش و همه مردم است و با اعلام اینکه این روز جهانی است بر گرامی داشت آن تاکید کرده اند. در بخشی از بیانیه منتشر شده از سوی معلمان به مناسبت این روز چنین آمده است: "ما معلمین، شاغل و بازنشسته در شرایطی بسوی روز جهانی معلم پیش میرویم که به هیچ کدام از مطالبات صنفی و عمومی خود، دست نیافته ایم و با فقر و فلاکت و تبعیض سر در گریبان هستیم. با خصوصی سازی مدارس

ادامه در صفحه ۷

اطلاعیه ها در صفحه ۸

"ابتکار صلح هرمز و ائتلاف امید" تقیایی برای "نرمش قهرمانانه" دیگر!



محسن ابراهیمی

حتما فراموش نکرده اید که مدتی پیش آخوند خاتمی، که برای بقای سیاسی حکومتشان تلاشهای جانانه ای کرده است، در مجمع عمومی سازمان ملل از زیر عبایش تحفه ای بیرون کشید به نام "گفتگوی تمدنها"! این تلاشی بود مذبحخانه برای ساختن چهره ای متمدن از یک حکومت قرون وسطایی. خاتمی به نمایندگی از حکومتی دم از "گفتگوی تمدنها" میزد که کارنامه خونین علیه مدنیت دارد. آن وقت کسی این شیادی را تحویل نگرفت و او دست از پا درازتر بازگشت.

مجمع عمومی سازمان ملل اخیر شاهد اتفاقی مشابه بود. این بار حسن روحانی تحفه دیگری از زیر عبایش بیرون آورد: "ابتکار صلح هرمز" یا "ائتلاف امید"! ابتکاری که او مدعی شد میخواهد "حفظ امنیت، صلح، ثبات و پیشرفت در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز" و "امنیت انرژی، آزادی کشتیرانی و انتقال آزادانه نفت و سایر منابع" را تامین کند.

روحانی همه کشورهای را که "از تحولات خلیج فارس و تنگه هرمز متأثر می‌شوند" به این ائتلاف دعوت کرد. این یعنی اکثر کشورها در آمریکا و اروپا و آسیا و خاورمیانه و شرق دور! او از سازمان ملل خواست که "چتر بین‌المللی" در حمایت از این ائتلاف درست کند. و بعدا جواد ظریف، وزیر امور خارجه اش حتی گفت علاوه بر کشورهای منطقه، پنج کشور عضو دائم

دیگری است که آن هم هدفش بقای سیاسی حکومتی است که از کابوس بازگشت قیام ۹۶ آسوده نشده است. حکومت اسلامی در داخل بحرانی تر و در جهات منزوی تر به چنین "نرمشی" احتیاج دارد. مساله این است.

بحران داخلی و انزوای جهانی

جمهوری اسلامی در تنگنای اقتصادی قرار دارد. فشار اقتصادی بر توده های وسیع مردم بخصوص کارگران غیرقابل تحمل شده است. در ده سال گذشته دو بار به قدرت اعتراضات مردم در مقیاس وسیع تا لبه پرتگاه رانده شده است و خطر بازگشت همه آن نیروهایی که در ۸۸ و ۹۶ خیابانها را به صحنه جدال علنی با حکومت اسلامی تبدیل کردند را هر لحظه احساس میکند. در همه عرصه های زندگی مقاومت و اعتراض جریان دارد که اعتصابات کارگری همین چند ماه اخیر که علیرغم توحش سرکوبگرانه حکومت

علیرغم تلاشهای ایمانوئل مکرون برای میانجیگری میان جمهوری اسلامی و آمریکا، حکومت اسلامی حتی قابل اعتماد برای خود دولت فرانسه هم نیست. در جریان اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، سران سه کشور فرانسه و آلمان و انگلستان بیانیه مشترکی منتشر کردند و در آن مسئولیت حمله ۱۴ سپتامبر به تاسیسات نفتی عربستان را متوجه جمهوری اسلامی کردند و و از این حکومت خواستند تا با مذاکره درباره برنامه های هسته ای، موشکی و تحرکات منطقه ای اش موافقت کند.

و این یعنی انزوای بیشتر سیاسی جمهوری اسلامی در سطح جهان.

نیاز به "نرمش قهرمانانه" دیگر:

حکومت اسلامی قبلا دو بار ناگزیر شده است از اهداف استراتژیک اما مالیخولیایی خود عقب نشینی کند. یک بار خمینی "قهرمان" این عقب نشینی بود. بار دوم خامنه ای.

بار اول آنگاه بود که خمینی بعد از اصرارش بر ادامه جنگ و به قربانگاه بردن صدها هزار جوان متوجه شد که هدف مالیخولیایی فتح کربلا و و گشودن راه قدس قابل تحقق نیست و ادامه جنگ ممکن است حیات خود جمهوری اسلامی را به خطر بیاندازد و بالاخره با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل "جام زهر" سر کشید.

بار دوم نوبت خامنه ای بود که "جام زهر" سر بکشد که این بار روی شیشه اش برچسب "نرمش قهرمانانه" داشت.

واقعبیت این است که وقتی سران حکومت اسلامی متوجه شدند که با اقتصاد ورشکسته و انزوای جهانی و بحران داخلی ممکن است نفس حیات حکومتشان به خطر بیافتد، خامنه ای مجبور شد با اسم رمز "نرمش قهرمانانه" به شرایط حقارت بار در باره محدود کردن رویاهای اتمی و موشکی اش تن دهد. برجام محصول این وضعیت بود.

برجام همچنانکه انتظار میرفت به فرجام نرسید. تحریم اقتصادی افزایش یافت. از یکطرف فروش نفت بسرعت کاهش یافت، تنگناهای اقتصادی حکومت بیشتر شد و به این ترتیب به یک منبع اصلی دزدی و فساد و اختلاس و پروار کردن حزب الله و حماس و باندهای آدمکش اسلامی در منطقه و پیشبرد پروژه های تروریستی

لطمه خورد و از طرف دیگر فشار اقتصادی بر اکثریت مردم بیشتر شد که میتواند زمینه ای باشد برای انفجارسیاسی و البته به طور جدی خطرناک برای حیات حکومت اسلامی.

تجربه برجام نشان داد که "نرمش قهرمانانه" عنوان غلط انداز برای تسلیم حقارت بار به شرایطی رقت بار بود. و واقعبیت این است که نیاز به یک معلق سیاسی دیگر و یک "نرمش قهرمانانه" دیگر این بار با شرایطی حتی رقت بارتر از برجام بشدت احساس شده است. اجلاس سازمان ملل فرصت گرانبهای دیپلماتیک بود برای زمینه سازی به یک تسلیم دیگر. "ابتکار صلح هرمز" یا "ائتلاف امید" ژست سیاسی توخالی است که قرار است به تسلیم حقارت بار دیگر از طرف جمهوری اسلامی تروریست ظاهر یک پیروزی مشعشع توسط یک دولت صلح طلب بدهد.

انفجار در نفتشکها در بندر فجیره، سرنگون کردن پهباد آمریکا و بالاخره حمله موشکی - پهبادی به تاسیسات نفتی عربستان سعودی همه پیش در آمدها و پیش زمینه هایی بودند که در مراکز نظامی - امنیتی حکومت اسلامی طرح ریزی شده بودند تا شرایط خفت بار تسلیم تازه در مذاکرات بعدی را تا حد امکان کاهش دهند.

"شیطان بزرگ" در

مقابل "حکومت خدا"

دست بالا دارد!

امروز یکی از ارتجاعی ترین روسای جمهور آمریکا سر کار است. ترامپ یک مرتجع است که در راس قدرتمندترین اقتصاد سرمایه داری جهانی است. در مقابل، جمهوری اسلامی هم تجسم ارتجاع و ادامه در صفحه ۳

از صفحه ۲

"ابتکار صلح هرمز و ائتلاف امید"

تروریسم و جنایت در منطقه است و هم موضوع نفرت و انزجار و اعتراض در ایران.

در تنش میان این دو نیروی ارتجاعی، "شیطان بزرگ" در مقابل "حکومت خدا" دست بالا دارد و بی دلیل نیست که ترامپ با اعتماد به نفس از تریبون سازمان ملل و در حضور نمایندگان حکومت اسلامی اعلام میکند که "حکومت ایران حامی اول تروریسم در جهان است!" "یکی از بزرگترین تهدیدهای امنیت جهان است و کارنامه‌ای جز مرگ و تخریب ندارد" و "تا زمانی که رفتار رژیم ایران تغییر نکند نه تنها تحریم‌ها لغو نمی‌شود بلکه تشدید هم می‌شود".

هیئت حاکمه کنونی آمریکا مصمم است جمهوری اسلامی را مهار کند و قدرت حضور حکومت اسلامی در منطقه مشخصا عراق و سوریه را تضعیف کند. ممانعت از دستیابی حکومت اسلامی به بمب اتم و موشکهای حامل آن برای رسیدن به این هدف نقش پایه ای دارند که تحریم گسترده اقتصادی جمهوری اسلامی ابزاری برای تحقق آن است. در صورت تحقق این هدف، در صورت تن دادن جمهوری اسلامی به این خواستها، دول غرب و مشخصا آمریکا هیچ مشکلی با حکومت اسلامی به مثابه یک رژیم دیکتاتوری مذهبی ندارند که جان و معیشت و حرمت و کرامت بیش از هشتاد میلیون انسان را به طور سازمانیافته لگدمال میکند.

دونالد ترامپ و تیمش البته فکر انتخابات بعدی را

هم میکنند که بزودی فرا خواهد رسید. در سطح داخل آمریکا، ترامپ میخواهد به عنوان رئیس جمهوری ظاهر شود که میتواند نه تنها با کیم جونگ اون بلکه با هیولاهایی مثل خامنه ای هم به مذاکره و سازش برسد.

یک بحران و دو جناح

این واقعیت است که در چهارچوب جمهوری اسلامی جناحهای مختلف روشهای مختلف برای فائق آمدن بر بن بست سیاسی حکومت اسلامی دارند. اختلاف جناحی یک جلوه مهم از بروز بحران درونی حکومت اسلامی است. هر چقدر از مقطع انقلاب ۵۷ دورتر شده ایم یک تناقض بنیادی در درون جمهوری اسلامی بیشتر و بیشتر خود را نشان داده است. این تناقض که جمهوری اسلامی از یکطرف ناگزیر است بر وفاداریش به یکی از ارکان هویتیش یعنی ضدیت با غرب و آمریکا پافشاری کند و از طرف دیگر با همان غرب و آمریکا مناسبات داشته باشد. "نرمش قهرمانانه" به یک معنا فرمولی برای حل این تناقض و این بن بست است که در چهارچوب آن باید کسانی "مرگ بر آمریکا" سردهند و کسانی دیگر با همان آمریکا مذاکره کنند. کسانی پهباد آمریکا را سرنگون کنند و کسانی دیگر از امکان ملاقات با ترامپ صحبت کنند. کسانی علیه آمریکا لفاظی سیاسی و نظامی راه بیاندازند و کسانی دیگر ظاهر صلح طلب به خود بگیرند. و البته محصول همه اینها باید سازشی باشد که بتواند جمهوری اسلامی را از تنگنای اقتصادی و انزوای سیاسی در بیاورد و نهایتا بحران سیاسی در ایران را برای مدتی هم که شده کاهش دهد و برای حکومت

اسلامی عمر بخرد.

وقتی به مجموعه سخنان روحانی و ظریف از یکطرف و خامنه ای از طرف دیگر دقت کنید متوجه این حقیقت میشوید که هم میخواهند مذاکره کنند و هم میخواهند پز مخالفت با "شیطان بزرگ" را حفظ کنند.

جدا از اختلافات جناحی واقعی در رابطه با استراتژی بقای سیاسی، یک توافق و تقسیم کار نانوشته - شاید هم به درجاتی هماهنگی دوجناحی - میان بیت خامنه ای از یکطرف و رئیس جمهور و دار و دسته اش از طرف دیگر شکل گرفته است که در مقطع اجلاس اخیر سازمان ملل یک بار دیگر خودش را به خوبی نشان داد. روحانی و ظریف ژستهای توخالی گرفتند؛ از "عزت، غرور و اقتدار ملی خودمان" دم زدند؛ از این صحبت کردند که "صبر ایران هم حدی دارد" و اینکه "دخالت تحریک آمیز بیگانگان" را تحمل نخواهند کرد و به هرگونه تعرض "قاطعانه" پاسخ خواهند داد و در عین حال التماس کردند که "تحریم‌ها را متوقف کنید تا راه گفتگو باز شود" و وزیر خارجه اعلام کرد "شاخه زیتون همواره از سوی ایران روی میز بوده است ولی ما بار دیگر آن را نشان می‌دهیم". و البته مردم ایران خوب میدانند این شاخه زیتون را دستهایی بلند کرده اند که از لای انگشتانشان خون میچکد!

خامنه ای اخیرا فسیلهای

مجلس خبرگان را جمع کرد و طوری هم به نعل و هم به میخ زد که نشان میداد هم به مذاکره با غرب و البته آمریکا و یک "نرمش" دیگر شدیدا احتیاج دارد و هم باید همچنان ژست ضد آمریکاییش را یک جوری حفظ کند. از یکطرف گفت "رفت و آمد و بستن قرارداد اشکالی ندارد"؛ "راه تعامل و مذاکره با هیچ کشوری «بسته نیست»؛ از طرف دیگر پز ضد آمریکایی و ضد غربییش را هم حفظ کرد: "به هیچ وجه نباید به کشورهای که پرچم دشمنی با نظام اسلامی را در دست گرفته‌اند و در رأس آنها آمریکا و این چند کشور اروپایی، اعتماد شود زیرا آنها صریحاً با ملت ایران دشمنی می‌کنند." "باید بکلی از اروپایی‌ها قطع امید کرد."

در جناح دولت مذاکره غلیظ است و رجزخوانی رقیق. در جناح خامنه ای رجزخونی غلیظ است و مذاکره رقیق. و در سطح کل حکومت جناح دولت اهل مذاکره ظاهر میشود و جناح خامنه ای اهل مقابله. منظورم این نیست که جناحهای حکومتی نشسته اند و میان خود تقسیم کار کرده اند. بلکه میخواهم روی این تاکید کنم که جمهوری اسلامی با بحران بقای سیاسی مواجه است و بالتبع استراتژی بقا مهمترین مشغله همه جناحهایش است. مساله این است که در تاکتیکهای تحقق این استراتژی بقا سر در گم هستند. تفاوت دارند. در

پاسخ به مساله نحوه خلاصی از خطر سرنگونی و ادامه حیات سیاسی اختلاف دارند. و به این اعتبار در پاسخ به سوال نحوه مواجهه با جهان و دول غرب هم سرگیجه گرفته اند. همه این سرگیجه ها و اختلافات در مقطع اجلاس سازمان ملل و در طرح "ابتکار صلح هرمز" و "ائتلاف امید" و اظهارات حول آن به خوبی خود را نشان میدهد.

بحران جمهوری اسلامی با هیچ "ابتکار" و هیچ "ائتلافی" قابل حل نیست. کلید حل بحران جمهوری در داخل آن، در توازن قوا میان جناحهایش، در تنشها و سازشهایش با دول غرب و کلا در دست نیروهایی نیست که با حفظ این حکومت میخواهند بحرانش را پاسخ دهند. حل بحران جمهوری اسلامی در دست آن جنبشی است که قصد دارد کل موجودیت این حکومت را در هم بشکنند. راه حل بحران حکومت اسلامی پایان دادن به حاکمیتش است. نیروی پایان دادن به حاکمیتش هم کارگران هستند. زنان هستند. جوانان هستند. میلیونها مردم جان به لب رسیده هستند که آرزایشان، رفاهشان، امنیت و آرامششان، شادی کودکانشان، حتی امکان تنفس هوای برایشان هم در گرو سرنگونی حکومت اسلامی و پایان دادن به سلطه طبقه سرمایه داری است که این حکومت پاسدارش است.*

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
آف ای سی : 5/6

پرسش از علی جوادی در سازمان ملل چه گذشت؟



ترامپ و روحانی در سخنرانی‌های خود در هفته گذشته در نشست سالانه سازمان ملل به سیاست‌های جهانی و جدالهایی که در آن درگیر هستند، پرداختند. در این مورد پرسش‌هایی را با علی جوادی در میان می‌گذاریم.

خلیل کیوان: ترامپ در سخنرانی خود بر پروتکشنیسم اقتصادی و ناسیونالیسم تاکید گذاشت و تاکید کرد که بر اساس این راهبرد اقتصاد آمریکا در دوره ریاست جمهوری وی رشد یافته است. بطورمثال او گفت که بیش از پانصد میلیارد دلار در نتیجه تعرفه بر کالاهای چینی به اقتصاد آمریکا سرایز شده است. او همچنین دولت انگستان را به خروج از اتحادیه اروپا ترغیب کرد. ادعای ایدولوگ‌ها و سردمداران سرمایه داری همواره تاکید بر لیبرالیسم و بازار آزاد بوده است. آیا ناسیونالیسم و پروتکشنیسم اقتصادی سالهای اخیر را بعنوان یک عارضه در کارکرد سرمایه و مساله‌ای غیر قابل پیشبینی که ویژه گی شخصیت ترامپ است باید بحساب آورد یا یک نیاز سرمایه داری آمریکا در دوره حاضر؟

علی جوادی: پروتکشنیسم اقتصادی همواره بمثابة یک گرایش فوق ارتجاعی در صفوف طبقه حاکمه آمریکا و کلا در جهان غرب وجود داشته است. دست بالا را نداشته است، اما وجود داشته است. این گرایش در دورانهای متفاوتی در

بحران اقتصادی و سیاسی بورژوازی حاکم جستجو کرد. بلوک شرق سقوط کرد، گرایش سرمایه داری متکی بر رقابت آزاد و بازارهای جهانی و درهای باز برای تحرک سرمایه، پیروز شد. اما معنای این پیروزی بهبود شرایط و کار زندگی توده مردم کارکن و زحمتکش در این جوامع نبود. برعکس شکافهای طبقاتی با شتاب بیشتری افزایش یافت. سرمایه شرایط مطلوب تری برای انباشت و گسترش پیدا کرد، اما سهم نسبی توده کارکن از این ثروت اجتماعی تولید شده بطور مشخص تنزل کرد. ناسیونالیسم افراطی با تکیه بر سیاست اقتصادی پروتکشنیستی بر این شرایط سرمایه گذاری کرد و کوشید تا معضل را در سیاست "درهای باز" یا "جهانی شدن" اقتصاد متکی کند. نژاد پرستی کور و ضد انسانی نیز همزاد و مولفه دیگر رشد این گرایش ارتجاعی در سطح جهان است.

به این اعتبار نه این سیاست یک عارضه در کار کرد سرمایه در دوران حاضر است و نه یک نیاز عمومی سرمایه. تلاش گرایشی از طبقه حاکمه است که در دوران و در بزنگاهی در پس بحران اقتصادی و فروکش کردن تبلیغات کر کننده گرایش حاکمه پیروز در جنگ سرد کوشیده است که سهم بیشتری از قدرت در جهان سرمایه داری موجود را در کنترل خود داشته باشد. به این شرایط مسلما باید عوامفریبی و شارلاتانیسم یک بساز و بفروش ابن الوقت نظیر ترامپ و یا جانسون را نیز اضافه کرد.

خلیل کیوان: ترامپ در سخنرانی خود گفت جمهوری اسلامی ایران "تهدیدی بزرگ"

است که در "آتش جنگ سوریه و یمن می‌دمد." او همچنین در باره تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی گفت: "تا زمانی که ایران رفتارش را تغییر ندهد تحریم‌ها لغو نخواهد شد بلکه بیشتر هم می‌شود." در هفته‌های اخیر صحبت از پا در میانی فرانسه و باز شدن روزنه‌ای برای مذاکره شنیده می‌شد که مساله حملات به آرامکو این روند را تحت الشعاع قرار داد. این تاکیدات ترامپ در این شرایط به چه معنی است؟

علی جوادی: سیاست ترامپ تشدید فشار اقتصادی بمنظور سوق دادن حکومت اسلامی به پای میز مذاکره است. به دنبال بند و بست با حکومت اسلامی اند. هدفشان همان طور که بارها اعلام کرده اند، "تغییر رفتار" و یا بهتر بگوییم، "اصلاح رژیم" اسلامی، آنها در سطح سیاست‌ها و رفتارهای منطقه ای آن، است. با "همین رهبران"، با همین جنایتکاران. به چند نکته در این زمینه باید اشاره کرد:

مسلما و بدون تردید حکومت اسلامی یک پای کشمکشهای خونین منطقه و تهدیدی جدی برای زندگی مردم و آزادیخواهی و برابری طلبی در منطقه است. هر جا که جریان اسلامی چرخه زده است گرد و غبار مرگ و عقب ماندگی و تحجر و ضدیت با زن و آزادیخواهی را در آنجا پخش کرده و گسترانده است. این حکومت مرگ و فقر و ضدیت با هر چه انسانی است. اما حکومت اسلامی تنها "تهدید" در منطقه نیست. نیروهای ارتجاعی منطقه‌ای و جهانی معینی در این منطقه فعالند و در این "تهدید" سهیم اند. آمریکا و اسرائیل و روسیه و عربستان سعودی و

ترکیه در زمره دیگر نیروهای دخیل و ارتجاعی در این منطقه هستند.

دستیابی به صلح و آزادیخواهی در این منطقه اسلام زده و ارتجاع زده مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی در ایران، حل عادلانه مساله فلسطین و برسیمت شناختن کشور مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل، خلاص شدن از دست نیروهای ارتجاعی و عقب مانده در این کشورها و همچنین پایان دادن حضور میلیتاریستی کشورهای آمریکا و اسرائیل و روسیه در این منطقه است. در این میان پایان دادن به عمر حکومت اسلامی در پس یک خیزش توده ای سکولاریستی و آزادیخواهان در ایران مانند یک سونامی آزادیخواهی و برابری طلبی کل سیمای سیاسی منطقه را دگرگون خواهد کرد.

ما بارها گفته ایم که سیاست تحریم اقتصادی مستقل از تاثیر آن بر رژیم اسلامی از آنجائیکه زندگی توده های مردم فقر زده و فلاکت زده را سخت تر میکند، از آنجائیکه تاثیرات مخربی بر زندگی مردم دارد، یک سیاست عمیقاً ارتجاعی و بیمارگونه است. رژیم اسلامی را باید به لحاظ سیاسی و نظامی تحریم کرد، باید از مجامع بین المللی اخراج کرد. اما تحریم اقتصادی یک سیاست کور و ضد انسانی است. ما پرچمداران مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی همواره این سیاست کور را محکوم کرده ایم.

واقعیت این است که وضعیت کنونی کشمکش میان دو قطب ارتجاعی آمریکا و حکومت اسلامی قابل دوام نیست، پایدار نیست. هیات ادامه در صفحه ۵

از صفحه ۴

در سازمان ملل چه گذشت؟

حاکمه کنونی آمریکا به دنبال اعمال "فشار حداکثری" برای کشاندن طرف مقابل به پای میز مذاکره است. سیاست طرف مقابل نیز مبنی بر "نه جنگ، نه مذاکره" چندان پایدار نیست. این نقطه و شرایط ویژه حاضر به دو سو میتواند کشیده شود. یا جنگ یا مذاکره و بند بست. هر دو آلترا تیبو ممکن و محتمل اند. اما دو طرف بطور ویژه و قابل مشاهده ای میکوشند تا از جنگ اجتناب کنند. حمله به تاسیسات نفتی عربستان که طی آن انگشت اتهام به سوی حکومت اسلامی گرفته شد، میتوانست بمثابه یک فاکتور موثر برای یک درگیری نظامی و یا جنگ احتمالی قلمداد شود. اما اجتناب طرف مقابل از اتخاذ سیاست جنگی کاملا آشکار و قابل ملاحظه بود. از این رو بنظر در شرایط حاضر رفتن به پای میز مذاکره از احتمال بیشتری برخوردار است. مساله اما بر سر زمان و شرایط قرار گرفتن در چنین موقعیتی است.

خلیل کیوان: روحانی در سخنرانی خود از جمهوری اسلامی بعنوان کشوری آزاد یاد کرد و تاکید کرد که جمهوری اسلامی بدنبال جنگ نیست و با همسایگان خود میخواهد مدارا داشته باشد و همراه با آنها موضوعات مورد اختلاف را حل و فصل کند و از طرح "اتلاف امید" و "اتلاف صلح هرمز" متشکل از جمهوری اسلامی و همسایگان نام برد. او گفت در داخل ایران دمکراسی و در خارج از کشور با دیپلماسی بدنبال حل

مسائل است. بعید است کسی این ادعاها را جدی بگیرد. بنظر شما چرا روحانی بر این نکات تاکید میگذارد در حالیکه این سیاست ها خریداری ندارد؟

علی جوادی: کشوری "آزاد"، "دمکراسی در داخل دیپلماسی در خارج". واقعیت این است که نرمهای سیاسی حاکم بر این نشریه و ادبیات سیاسی ما اجازه ناسزا گویی چندانی به این اوباش جنایتکار را نمیدهد. این اراجیف خون هر انسانی که ذره ای شرافت انسانی داشته باشد را به جوش می آورد. از قرار وقاحت این اوباش اسلامی را حد و مرزی نیست. یکی از مسئولان امنیتی و اجرایی حکومتی که خود مستقیما در سازماندهی قتل عام و ترور بیش از صد هزار تن از جوانان و آرایخواهان جامعه دست داشته است، با ردالت تمام، چشم در چشم جامعه جهانی، چنین اراجیفی را به زبان می آورد. تنها میتوان گفت، مرگ بر جمهوری اسلامی!

از طرف دیگر طرح این اوباش اسلامی مبنی بر "اتلاف صلح هرمز" نیز مرده متولد شده است. نه کسی چنین ادعاهایی را جدی میگیرد و نه کشمکشهای جاری در منطقه اجازه میدهد که چنین طرحهایی جایی در تحولات سیاسی پیدا کنند. منطقه در شرایط آرایش جنگی و کاملا مضطربی بسر میرود. نیروهای رقیب در منطقه زیر چتر هژمونیک آمریکا قرار دارند. بازیگران نقش دوم نمیتوانند در نقش کارگردان و سناریو پرداز عمل کنند. بعلاوه فاکتورهای متعددی شرایط منطقه خاورمیانه را کاملا از مناطقی مانند شبه جزیره کره متمایز میکند. در شبه جزیره کره،

نیروهای درگیر بر سیاست ترک مخاصمه و کاهش تخاصمات تاکید میکنند. در خاورمیانه اما مساله برعکس است.

هدف روحانی از این اراجیف ارائه چنین سیاستی تلاش برای بازیگری به عنوان یک نیروی هژمونیک در منطقه است. دارند برای فردای احتمالی توافقات و بند و بستها شرایط و طرح آماده میکنند.

خلیل کیوان: در مورد حل مناقشه بین جمهوری اسلامی و آمریکا تاکید روحانی بر بازگشت به برجام بود. او گفت سیاست جمهوری اسلامی بر اساس توافق برجام و فتوای خامنه ای پرهیز از ساختن بمب اتم است. با توجه به اینکه طرف دیگر مناقشه موضوعاتی چون دخالت های منطقه ای جمهوری اسلامی و مساله موشک های بالستیک را هم از شروط خود برای شروع مذاکره میدانند، چشم انداز مذاکره و پایان مناقشه را چگونه ارزیابی میکنید؟

علی جوادی: به مساله چشم انداز مذاکره و پایان مناقشه باید بمثابه دو پدیده کاملا متفاوت و مجزا برخورد کرد. مذاکره هم ممکن و هم محتمل است. هر چند که زمان آغاز احتمالی آن به فاکتورهای متعددی در هر دو سوی این تخاصم گره خورده است. اما پایان مناقشه به عبارتی به معنایی به پایان عمر سیاه حکومت اسلامی

گره خورده است. ضد آمریکایی گری کور یک رکن سیاست استراتژیک حکومت اسلامی است. تغییر این سیاست بدون کشمکشهای درونی و شاید خونین بسادگی برایشان ممکن نباشد. بعلاوه هر نوع عقب نشینی از این سیاست استراتژیک شان بمثابه چراغ سبزی به مردم برای تعرض به رژیم اسلامی است. تاکید جناح راست بر تشدید سیاست سرکوب و شعله ور نگهداشتن کشمکش با آمریکا و غرب بعضا از این زوایه است. میدانند که رو در روی مردمی قرار دارند که در کمین سرنگونی شان نشسته اند.

آیا رژیم اسلامی میتواند در مقابل سیاست "فشار حداکثری" ترامپ تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دوام آورد؟ امید حکومت اسلامی به این مساله یک رکن محوری تاکیدشان بر سیاست "نه جنگ و نه مذاکره" در شرایط حاضر است. اما نباید فراموش کرد که خمینی جام زهر را در زمانی سر کشید که تا یکماه پیش از آن از "فتح قدس از کربلا" صحبت میکرد. بعلاوه خامنه ای هم که سیاست "نرمش قهرمانانه" را تمرین کرده است. مساله بنظر بر سر شرایط و زمانی است که به پای میز مذاکره بروند. حمله منتسب به جمهوری اسلامی، اقدامی در راستای تغییر توازن قوای طرفین در همین راستا بود.*

از صفحه ۱

مفتخوران باز هم نان را گران کردند!

کنند.

نباید بگذاریم نان و سوخت و سایر مایحتاج مردم را گرانتر کنند. باید به میدان بیاییم و اعلام کنیم که هزینه گروههای تروریست اسلامی نباید از جیب مردم تامین شود. هزینه دستگاه تحقیق مذهب و امام جمعه ها و سپاه و بسیج و وزارت اطلاعات و سایر اوباش مسلح را مردم نباید بپردازند. میتوانیم میلیاردرهای حاکم را از

تصمیم شان پشیمان کنیم. باید متحد شویم، اعتراض کنیم، سر این حکومت بریزیم و از معیشت و زندگی مان دفاع کنیم. باید گرانی نان را با ندادن هزینه آب و برق و گاز پاسخ دهیم. با گسترش اعتصابات سراسری و تجمعات اعتراضی و با پیوستن به تجمعات کارگران و معلمان پاسخ دهیم. ما تجربه خیزش دیماه را داریم. باید همبستگی ها را تقویت کنیم و با خیزشی عظیم تر از دیماه به مقابله با حکومت برخیزیم. میتوانیم و باید میلیاردرهای دزد و جنایتکار را از همه طرف محاصره کنیم و جمهوری فاسد و پلید اسلامی را به گورستان تاریخ بسپاریم.

سرنگون باد

جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم،

زنده باد حکومت کارگری

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۱ مهر ۱۳۹۸،

۲ اکتبر ۲۰۱۹

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

شهلا دانشفر

دو اتفاق مهم هفته:**در هفت تپه چه میگذرد**

دور جدید اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه از اول مهرماه آغاز شد و هنوز ادامه دارد. اعتراض متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه به اخراج بیست همکار اخراجی خود و علیه اخراجهاست. اعتراض آنان به احضارها و پرونده سازی های امنیتی و علیه مجازات های تعیین شده برای اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان هفت تپه است. اعتراض آنان به چپاولگری های پشت پرده و چوب حراج زدن به سهام این شرکت و واگذاری آن به بخش خصوصی است. و بالاخره اینکه کارگران نیشکر هفت تپه میگویند که به هیچ یک از خواسته های خود نرسیده اند و پیگیر مطالباتشان هستند. دور جدید اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و ایستادن متحدانه آنها در برابر تفرقه افکنی های حکومتیان و سردادن شعار "اتحاد" اتحاد" شمایی از اتفاقات مهمی است که امروز در نیشکر هفت تپه این سنگر مهم جنبش کارگری میگذرد. این اتفاقات و اعتراضات امروز کارگران نیشکر هفت تپه را به مبارزات با شکوه آنان در سال گذشته که همراه با خودگفتمان های آزادیخواهی، برابری طلبانه و آلترناتیو اداره شورایی را به جلو آورد، وصل میکنند. و در تداوم چنین اعتراضاتی است که بار دیگر شعار "اسماعیلو گرفتند، ما همه بخشی هستیم" در فضای این کارخانه طنین انداز شده است. نیشکر هفت تپه یک سنگر مهم جنبش کارگری است.

تپه، پایان دادن به احضارها و تهدیدها و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران، کوتاه کردن دست مالکین دزد "بخش خصوص" از جمله اسدیگی ها از این شرکت، پرداخت بموقع دستمزدها و تمامی طلبه‌هایشان و تضمین امنیت شغلی خود شده اند. بدین ترتیب کارگران با پافشاری متحدانه بر روی خواسته های خود می‌خواهند که رئیسی بیاید و پاسخگو شود. کارگران نیشکر هفت تپه با اعتراضاتشان صدا و سیمای جمهوری اسلامی را ناگزیر کردند که به کارخانه بروند و با آنها گفتگو داشته باشند و اعلام کردند که اگر نکته ای از گفته هایشان سانسور شود، با پخش فیلم هایی که خود گرفته اند همگان را از سانسور اخبار اعتراض خود مطلع خواهند کرد. این کارگران کاری کردند که علی یآوری معاون وزیر کار همراه با مدیر اداره کار ناگزیر شدند با آنها نشست داشته باشند. در این نشست کارگران خواسته ها و اعتراضشان را با سند و مدرک اعلام کردند و با این کار حضور آنان را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. از جمله کارگران در سخنرانی هایشان با گفتن اینکه ما تا کنون طعم شیرینی از عدالت ندیده ایم و با گفتن اینکه آنچه آنها تا کنون دیده اند اینست که از این عدالت طعم شیرین نصیب سرمایه داران شده و زندان و احضار و پرونده سازی نصیب کارگران، سخن گفتند. و این چنین است که کارگران نیشکر هفت تپه دارند دستگاه سرکوب قضایی حکومت و سرمایه داری دزدسالار حاکم را به چالش میکشند. ترفند دیگر حکومتیان در دور جدید اعتراضات در

نیشکر هفت تپه تلاش برای زدن رنگ حکومتی به مبارزات کارگران است. از جمله با نام خدا و بوسه زدن بر قرآن و برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی و قراردادن عکس جانبانی چون خامنه ای و رئیسی و قاسم سلیمانی در جلوی صف اعتراض کارگران، تلاش کردند فضای هفت تپه را قبضه کنند. اما کارگران اعتراضشان را با جدا کردن صفشان و فریاد اتحاد، اتحاد، بیان کردند. ترفند دیگر رو کردن لیست صدوپنجاه نفری اخراج در این هفته و احضار تعدادی از کارگران بود. اما با ادامه اعتراضات متحدانه کارگران مقامات کارخانه عقب نشستند و موضوع را مسکوت گذاشتند. کارگران نیز با هشیاری خواستار لغو تمامی پرونده های تشکیل شده برای همه کارگرانی که در لیست اخراج و احضار قرار دارند شدند. بازگشت به کار هفده نفر از کارگران اخراجی در زیر فشار اعتراضات کارگران یک موفقیت مهم برای آنان است. اما علیرغم وعده های داده شده هنوز سه کارگر اخراج دیگر حکم بازگشت به کار نگرفته اند و کارگران خواستار بازگشت به کار آنان بر سر کار و توقف اخراجها هستند. اعتصاب متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه علیه اخراجها نشانه یک همبستگی بالای کارگری است. با این اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه الگوی خوبی از اتحاد کارگر شاعل و اخراجی در برابر تعرضات حکومت و بیکارسازیها در برابر کل جنبش کارگری قرار دادند. واقعیت اینست که خصوصی سازی ها بخشی از سیاست چپاول و دزدی سرمایه داری حاکم برای

تحمیل بردگی بیشتر به کارگر است. تحت عنوان خصوصی سازی همانطور که قبلا نیز اشاره کرده ایم سهام کارخانجات در بازار بورس به حراج گذاشته شده و مشتکی از خود حکومتیان و دارو دسته هایشان در قامت مالک خصوصی وارد کار شده و با تشدید بردگی کاری سوار بر گرده کارگر میشوند. این خصوصی سازی ها کارفرما را مختار میدانند که تا هر کجا که زورش میرسد و منافعی ایجاد میکند بیکارسازی کند تا بقول خودشان "تعدیل نیروی کار" صورت گیرد. به عبارت روشنتر مالک خصوصی میتواند هر بلایی میخواهد بر سر کار و زندگی و معیشت کارگر بیاورد و حق و حقوقش نیز از نظر "قانون" محترم است. چطور که در جریان دیدار اخیر علی یآوری از این مجتمع او رسماً اعلام کرد که اخراج کارگر از کار جزو حقوق کارفرماست. و این تام الاختیار بودن کارفرمایان دزد و مفتخور جوهر کلام قانون سرمایه داری دزدسالار حاکم است. پلیس آگاهی و حراست و مجلس و همه مقامات ریز و درشت حکومتی نیز مجری همین قانون برده داری هستند. از همین رو کارگری که در مقابل این اوضاع بایستد، سروکارش با قانون و متعاقب آن زندان و احکام بربریت شلاق و زندان است. ساختن ساختمان پلیس آگاهی شوش رشوه اسد بیگی کارفرمای نیشکر هفت تپه برای ادامه همین دزدی هاست. بنا کردن این ساختمان با هزینه شرکت توسط اسدیگی گوشه ای دیگر از این بساط فاسد رانت خواری و همدستی مشتکی سرمایه دار دزد و رانت خور از نوع اسد بیگی ها با دستگاه ادامه در صفحه ۷

از صفحه ۶

دو اتفاق مهم هفته

مافیایی حاکم است. امروز نیشکر هفت تپه در برابر این توحش و بربریت ایستاده و پیشتاز اعتراضات کارگری علیه بساط دزدسالار حاکم است. نیشکر هفت تپه یک سنگر مهم مبارزات کارگری است و شایسته وسیعترین حمایت هاست.

فراخوان به تجمع معلمان آغازی از دور جدید اعتراضات

یک اتفاق سیاسی مهم در هفته ای که گذشت فراخوان معلمان شاغل و بازنشستگان به تجمع برای روز سیزده مهرماه روز جهانی معلم در مقابل ساختمان آموزش و پرورش در تهران است. در همین رابطه در شهرستانها نیز از جمله در کرمانشاه و البرز و مشهد تحرکاتی به راه افتاده است. نفس اینکه معلمان با خواستهای اعتراضی شان و در راس آن تاکید بر دو خواست مهم و سراسری تحصیل رایگان برای همه کودکان و پایان دادن به فشارهای امنیتی و آزادی تمامی معلمان زندان و زندانیان سیاسی به تدارک برگزاری روز جهانی رفته اند، یک اتفاق سیاسی مهم است که در فضای کل جامعه تاثیر میگذارد. علاوه بر این دو خواست محوری معلمان بر خواستهایی چون افزایش حقوق ها به بالای خط فقر هفت میلیونی، درمان رایگان برای همه، تسهیلات برای تامین مسکن، پایان دادن به دزدی ها و بازگرداندن پولهای دزدی شده به صندوق ذخیره فرهنگیان و صندوق بازنشستگی، پایان

دادن به کالایی شدن آموزش و پرورش و لغو خصوصی سازی ها، آموزشی برابر و یکسال و با کیفیت بالا برای همه کودکان، امن سازی مدارس و حق تشکل، حق اعتصاب، حق رسانه، حق تجمع تاکید دارند. این مطالبات را معلمان بارها و بارها در تجمعاتشان و در بیانیه و قطعنامه هایشان اعلام کرده و مضمون برها و شعارهایشان بوده است. معلمان یک بخش پیشتاز در اعتراضات کل جامعه هستند که با اعتراضاتشان نقش مهمی در جلو آوردن گفتمان های چپ و رادیکال و خواستهای سراسری همه مردم داشته اند. از جمله فریاد شعارهایی چون "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "دولت سرمایه دار حرف حالیش نمیشه"، "دزدا بیرونند، معلمان در زندان"، از سوی آنان در تجمعات اعتراضی شان بیان اعتراض کل جامعه علیه سرمایه داری دزدسالار حاکم است. معلمان در تجمعاتشان با برافراشتن بنری با مضمون لغو فاصله عظیم طبقاتی زندگی ای انسانی و بدور از هرگونه تبعیض و نابرابری را فریاد میزنند و امروز با همین خواستها و مطالبات به استقبال برگزاری روز جهانی معلم میروند. از خواستها و اعتراضات معلمان باید وسیعا حمایت کرد.*

از صفحه ۱

پیام به مردم سندج:**برای پایان دادن به اعدام باید با قدرت بیشتری بمیدان آمد!**

دست به تجمع و اعتراض زده اید و جان تعدادی از عزیزانتان را نجات داده اید. اعتصاب عمومی و قدرتمند ۲۱ شهریور سال قبل در اعتراض به اعدام اعدام رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی و اعتصاب عمومی ۹ سال قبل در اعتراض به اعدام فرزاد کمانگر و همراهانش تجارب گرانهای شما در مقابله با جمهوری اسلامی بوده است. اگر درسی از این مبارزه باید گرفت این است که نیرویتان را

برای مقابله با اعدام بیشتر به میدان بیاورید. فعالینی که نقش مهمی در سازماندهی این اعتصابات عمومی داشتند نفر دست به تجمع بزنند، قادرند شبکه های علیه اعدام را گسترش دهند و نیروی وسیع بیندازند، با خانواده های مقتول و متنفذ از حکومت را در مقابل اعدام به حرکت درآورند.

مردم آزادیخواه سندج، مردم آزادیخواه کردستان! کنند. جمهوری اسلامی نباید جرات کند حتی یک مورد دیگر جمهوری اسلامی در سرانجام دست به اعدام بزند. شما قادرید این خواست انسانی خود را به کرسی بنشانید و پوزه جنایتکاران را به خاک بمالید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مهر ۱۳۹۸
۱ اکتبر ۲۰۱۹

از صفحه ۱

فراخوان معلمان شاغل و بازنشسته برای تجمع در روز جهانی معلم

ودانشگاهها و پولهای بی حساب و کتابی که از فرزندان ما، دانش آموزان و دانشجویان میگیرند، هر روزه زندگی ما واکنش مردم رویه فنا و قهقرا میروند. نظام آموزشی نا کارمد که نه آموزشی را دربر دارد و نه پرورشی، هر چه بیشتر تدارک نا توانیهای فردی و اجتماعی فرزندان ما را به پیش میبرد و در این موارد هیچگونه مسئولیتی را نپذیرفته و نمی پذیرند. این همه ناتوانی و نا کار آمدی را بدوش دانش آموزان و دانشجویان و خانواده های آنها که ماها هستیم می اندازد." در ادامه این بیانیه بر ادامه مبارزه تا تحقق خواستهای فوری زیر تاکید میگذارد:

پایان دادن به خصوصی سازی مراکز آموزشی و کالایی شدن آموزش، تحصیل

رایگان در تمام سطوح آموزشی و اجرایی شدن آن، اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری در حد برون رفت از خط فقر هفت میلیونی و داشتن معیشتی امن، درمان رایگان با بیمه کارآمد و حذف بیمه های خصوصی، ترمیم صندوقهای باز نشستگی و بازگشت پولهای به سرقت رفته آن به این صندوق، آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات.

در تجمعات اخیر معلمان شاغل و بازنشسته بنرهایی با مضامینی چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، حق رسانه و آزادی بدون قید و شرط و بدون وثیقه همه معلمان دربند، کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و خواست رفع تبعیض ها و لغو فاصله عظیم طبقاتی در سطح جامعه به چشم میخورد که جایگاه مهم و پیشتازی به اعتراضات

معلمان در جامعه داده است. معلمان برای تجمع سیزده مهر ۱۳ مهر (۵ اکتبر) با سه شعار محوری "تحصیل رایگان اجرا باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" به استقبال روز جهانی معلم میروند. قبلا نیز از سوی معلمان در استانهای کرمانشاه، البرز، اصفهان و مشهد نیز به مناسبت روز جهانی معلم به تجمع در روز یازدهم مهر ماه فراخوان داده شده است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از تجمعات و خواستهای اعتراضی معلمان همه مردم خصوصا خانواده های دانش آموزان، دانشجویان و کارگران را به شرکت فعال در این تجمعات فرامیخواند.

پیش بسوی ایجاد شوراها حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مهر ۹۸،
۱ اکتبر ۲۰۱۹

مدیران «کانال های تلگرامی» باید فوراً آزاد شوند

به هر شکل دیگری که می‌توانند این دستگیری‌ها را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری تمامی بازداشت‌شدگان شوند. از کلیه احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون و از تمامی نهادهای کارگری و اناسندوست انتظار دارد که دستگیری مدیران کانال های تلگرامی در کردستان را محکوم کنند و خواستار آزادی تمامی بازداشت‌شدگان شوند. تمامی بازداشت‌شدگان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و به هر گونه فشاری علیه آنها پایان داده شود.

**کمیته کردستان حزب
کمونیسست کارگری ایران**

۸ مهر ۱۳۹۸ - ۳۰
سپتامبر ۲۰۱۹

سناریو سازی "امنیتی" علیه فعالین کانالهای تلگرامی کار هر روزه جمهوری اسلامی و ادامه سیاست جنایتکارانه جمهوری اسلامی علیه فعالین کارگری، فعالین حقوق زن، معلمان و فعالین مدنی است.

جای کاربران یا مدیران کانال های تلگرامی زندان نیست، آنها شایسته حمایت گرم مردم اند. این مقامات و مفتخوران حاکمند که به دلیل ۴۰ سال جنایت و از جمله به دلیل سلب آزادی بیان، تشکل و مطبوعات باید دستگیر و محاکمه شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری دستگیری مدیران کانال های تلگرامی را شدیداً محکوم میکند و از مردم میخواهد با تجمع در مقابل ارگان‌ها و زندان‌های جمهوری اسلامی، با جمع آوری طومار و

طبق خبری که ایسنا منتشر کرده ۹ نفر از مدیران کانال های تلگرامی در کردستان بازداشت شده اند. علی آزادی فرمانده نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی در کردستان با ردیف کردن به اصطلاح اتهامات امنیتی از قبیل: "افترا، تهمت، سلب آسایش عمومی، دلسرد کردن مردم نسبت به مدیران نظام، ارتباط با گروهک های معاند، اقدام علیه امنیت ملی از طریق ارتباط با گروهک‌های معاند، افشای نام افراد وابسته به نظام برای هدایت اقدامات تروریستی، اختلافات قومی و مذهبی، قلم فرسایی در برخی از سایت‌ها، اخاذی و تهدید"، علیه مدیران کانال های تلگرامی در کردستان پرونده سازی کرده و سناریوی امنیتی برای آنها ترتیب داده است.

اعدام چهار زندانی در زندان رجایی شهر کرج

سران جمهوری اسلامی باشند که مسبب این وضع مصیبت بار با همه مشقات اجتماعی هستند. اعدام قتل عمد دولتی است و به هر بهانه ای که صورت بگیرد از نظر ما شدیداً محکوم است. به قوانین "قصاص" جمهوری اسلامی نه بگوئید و با شعار "نه به اعدام" و "زنده باد زندگی" خواستار لغو فوری احکام اعدام شوید.

**کمیته بین المللی علیه
اعدام**

۲ اکتبر ۲۰۱۹

تلفن تماس: هر مزرها
46737896505+

صفحه فیس بوک:

https://

www.facebook.com/

icaيران/?ref=bookmarks

کانال تلگرام:

t.me/no_execution1

اولیای دم به بند بازگردانده شدند. اتهامات این زندانیان هر چه بوده باشد، "قتل" و یا "سرقت مسلحانه"، نباید سرنوشت آنها به دست مرگ و نیستی سپرده شود. اعدام در دست جمهوری اسلامی ابزاری است برای ایجاد وحشت در جامعه تا مردم معترض را بترسانند و سرکوب کند. افزایش اعدامها در روزهای اخیر در کنار تشدید سرکوب مردم معترض و فعالین اجتماعی و صدور احکام سنگین شلاق و زندان برای آنها گواه دیگری از تلاشهای مذبوحانه جمهوری اسلامی برای مرعوب کردن جامعه و مردم معترض است. جمهوری اسلامی و سرانش عاملین اصلی سیاهی و تباهی، دزدی و غارت و چپاول دسترنج مردم و محروم کردن جوانان و شهروندان از یک زندگی خوب و سالم است. اگر قرار است کسی محاکمه شود این باید

بنا به خبری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده است، جمهوری اسلامی صبح روز ۲ اکتبر ۲۰۱۹ برابر ۱۰ مهر ۱۳۹۸ چهار زندانی را در زندان رجایی شهر کرج اعدام کرده است. اسامی اعدام شدگان بدین قرار است: حسین روشن از اندرزگاه ۱۰ سالن ۳۴، محمد قنبری از اندرزگاه ۱۰ سالن ۳۱، حمید شیخی اندرزگاه ۱ سالن ۲ و محسن کونانی اندرزگاه ۱ سالن ۳.

همانطور که در اطلاعیه های قبلی نیز گفته بودیم این زندانیان قبل از اجرای حکم ضد انسانی اعدام از یکی دو روز قبل از آن به سلولهای انفرادی منتقل شده بودند. در این میان دو زندانی دیگر بنامهای حمید صادقی از اندرزگاه ۷ سالن ۲۰ و مهدی زارعی از اندرزگاه ۱ سالن ۲ با کسب مهلت از

اطلاعیه خبری شماره ۱۰ مهرماه: حضور نیروهای انتظامی در هفت تپه جهت عقب راندن کارگران

کشاکش پلیس امنیت شوش سه نفر از کارگران به اسامی محمد خنیفر، ایمان اختری و محسن چشم خاور را به دادستانی احضار کرد و بنا به خبرها این کارگران به دادستانی استان دراهواز منتقل شده اند و آنجا توسط رئیس اداره اطلاعات شوش مورد تهدید و توهین قرار گرفتند.

دست اندرکاران حکومت اسلامی با فشار و تهدید و احضار کارگرانی که حقوق بدیهی و مسلم خود را طلب میکنند، تنها خشم و نفرت همه کارگران و مردم علیه خود را شدت میبخشند. یک مشت دزد و جانی و مزدور مسلح مدتهاست در تلاشند که کارگران حق طلب هفت تپه را با دست خالی به سر کار بفرستند و در جواب خواستهای کارگران سلاحهای خود را نشان میدهند. این تقلا و تلاشها را با مبارزه متحدانه کارگران در سراسر این کشور به شکست خواهیم کشاند. از مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه فعالانه باید حمایت کرد. ما همه کارگران و مردم و همه سازمانهای سیاسی و تشکلهای کارگری را به پشتیبانی فعال از کارگران نیشکر هفت تپه فرا میخوانیم. هفت تپه جای دزدان و مرتجعین نیست.

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۰ مهر ۹۸،

۲ اکتبر ۲۰۱۹

امروز دهم مهر ماه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد دهمین روز خود شد. کارگران هفت تپه در اعتراض به اخراجها و با خواستهای فوری پایان دادن به دزدی های پشت پرده و لغو خصوصی سازی کارخانه، آزادی فوری اسماعیل بخشی و بازداشت شدگان هفت تپه و خاتمه دادن به تهدیدات امنیتی و پرونده سازی ها ده روز است که در حال اعتراض و مبارزه هستند و خواستهای خود را به زبان رسا اعلام کرده اند. طی این ده روز مدیریت و دست اندرکاران مختلف حکومتی با انواع و اقسام توطئه و ترفندها تلاش کرده اند این مبارزات را عقب بزنند و این سنگر مهم اعتراض کارگری را به قبضه خویش در آورند. اما موفق نشده اند. از همین رو امروز در دهمین روز این اعتراضات فرمانده نیروی انتظامی و بهمنی رئیس حفاظت اطلاعات شوش و بهاروند رئیس نیروی انتظامی همراه با نیروهای مسلح در محل کارخانه حضور یافته و کارگران را مورد تهدید قرار داده و از آنها خواستند که به اعتصاب خود خاتمه دهند و به سرکار بازگردند. مسئولین نیروی انتظامی حکومت به کارگران هشدار دادند که باید همگی سرکار برگردند و در غیر اینصورت ضمن پرونده سازی، از کار اخراج خواهند شد.

کارگران علیرغم این تهدیدات به اعتصاب خود ادامه میدهند. در ادامه این